تفاوت پایه با بحث ماده و صورت در فلسفه

شاگرد۷: منظور از پایه، ماده و صورت ارسطویی است؟ رابطه بین ماده و صورت را هم اینطوری می‌بینید که ماده یک جور پایه برای صورت است؟ چون ادبیات رسمی فلسفه اسلامی است، عرض می‌کنم.

استاد: مقصودم از پایه را توضیح دادم. بهترین مثالی که برای پایه تکرار می‌کردم، آب با فرمول H_2O بود. اکسیژن و دو هیدروژن کنار هم می‌آیند و یک هیئتی مثل کرسی می‌شوند؛ منظورم از پایه، این است. آن‌ها یک کرسی می‌شوند و مولکول، آب می‌شود. خب اگر آن ترکیب صورت نگیرد و همینطور مخلوط کنیم، یعنی ترکیبی از H_2O به‌عنوان مولکول آب نداشته باشید، ولی مخلوطی از شش اکسیژن و دوازده هیدروژن داشته باشید، اینکه آب نمی‌شود. اسم آن هیئت خاص‌ای که مولکول آب را پدید می‌آورد، پایه می‌گذاریم.

شاگرد۷: اصطلاح سوپروینینس (supervenience) که الآن می‌گویند، شبیه به همان را می‌گویید؟ دو دسته ویژگی سطح بالا و پایین درست می‌کنند، بعد می‌گویند....

استاد: آن هم شاید بحث متفاوتی باشد؛ عده‌ای تلاش می‌کنند تمام این ویژگی‌های کلگرا را به اجزاء بکاهند. آن‌ها می‌گویند بیخود کلگرا نگویید؛ ما ویژگی کلگرا را هم به خصوصیات و ویژگی‌های مؤلفه‌های پایه می‌کاهیم. همانجا راجع به اجتماع هم صحبت شد. فرمایش علامه طباطبایی را هم عرض کردیم. گمان من این است که کلگرائی درست است و اینکه در همه جا بکاهیم، ممکن نیست. روی آن حساب، وقتی پایه می‌گوییم، آن پایه حتی در لطیف‌ترین مراحل علوم انسانی مثل جامعه هم می‌آید. اکسیژن و هیدروژن فقط پایه نیست. وقتی شما یک شرکت درست می‌کنید، وقتی در ان.جی.او(NGO)های اجتماعی گروهی را تشکیل می‌دهید، واقعاً دارید سراغ یک چیز کلگرائی می‌روید. در مقاله آن آقا هم بود و خواندیم. همان استادی که به‌شدت مدافع اصالت فرد بودند، در جاهایی گفته بودند نمی‌توان این مسائل اجتماعی را با فرد توضیح داد. معنای این چیست؟ گاهی دیده‌اید که عنصرهای ریاضی، خیلی تجریدی هستند؛ این پایه‌هایی که من عرض می‌کنم، یک مفهومی بسیار تجریدی است. لذا این پایه، در منطق زبان گزاره‌ها هم هست که یک روال مکانیکی دارد، اما نه مکانیک علم حرکت و فیزیک، یعنی جدول صدقش، مکانیکی است و خودکار است؛ خودکار در فضای منطق، نه خودکار در فضای حرکت مکانیک کلاسیک. لذا برای جدول صدق گزاره‌ها، مکانیکی می‌گویند. الآن پایه‌های که من می‌گویم در همه اینها می‌آید. اینطور نیست که فقط صورت و ماده بگوییم. مقصود من، خیلی با اینها تفاوت دارد. پایه یعنی یک چیزی که سبب می‌شود یک چیزی ظهور کند. الآن در مولکول آب واقعاً یک طبیعی با آثار و خواص خودش دارید؛ یخ زدنش، نقطه ذوب و انجامادش؛ این آب، غیر از دوتا هیدروژن و یک اکسیژن است. ولی آن سه تا، پایه می‌شوند تا این، ظهور کند. اگر این پایه، به هم بخورد، دیگر آن هم نیست. پس در علم فیزیکی، ما یک هویت مشت پر کن به‌غیر از آن پایه، به‌معنای آب در کنار اتم هیدروژن و اکسیژن نداریم، ولی یک هویت ظهور کرده به نام آب فیزیکی داریم.

والحمد لله رب العالمین

بازبینی #2
ایجاد شده 7 مه 2026 12:46:40 توسط ... .
به روزرسانی شده 7 مه 2026 12:58:35 توسط ... .